

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

۷ پلاسکو از آغاز تا پایان

مدیریت و سیاست شهری

- ۱۵ گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی
- ۲۵ پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی
- ۳۱ مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی
- ۳۵ تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی
- ۴۳ ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری
- ۴۹ فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد
- ۵۷ آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل
- ۶۵ جامعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر
- ۷۱ مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده
- ۷۹ مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی
- ۸۷ خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی
- ۹۷ هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی
- ۱۰۳ ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی
- ۱۱۱ آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی
- ۱۱۹ چتری برای پلاسکو / یاسر باقری
- ۱۲۹ قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی
- ۱۳۵ عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

مدیریت و سیاست شهری



قربانیان نامرئی پلاسکو

آرش نصر اصفهانی

دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران

در میان خبرهای فراوان منتشر شده در مورد فاجعه فروریختن ساختمان پلاسکو، این گمانه در رسانه‌های اجتماعی مطرح شد که برخی کارگران افغانستانی غیرقانونی هم در میان قربانیان زیر آوار مانده وجود دارند، اما خانواده‌هایشان از ترس شناسایی شدن و اخراج، گمشده‌شان را گزارش نمی‌کنند. تاکنون شواهد قابل‌اعتمادی به دست نیامده که صحت این ادعا را نشان دهد اما از آن‌جا که در صنعت پوشاک ایران، کارگران افغانستانی بسیاری جذب شده‌اند، می‌توان انتظار داشت با تخریب کارگاه‌های تولیدی پوشاک واقع در ساختمان پلاسکو، اتباع افغانستانی هم در میان آسیب‌دیدگان و بیکارشدگان وجود داشته باشند. به سبب غیرقانونی بودن حضور کارگران افغانستانی در این فعالیت اقتصادی، آمار رسمی و ثبت‌شده‌ای از آن‌ها وجود ندارد و کارفرمایان نیز معمولاً

از ترس مجازات قانونی، تمایلی به تأیید استفاده از این کارگران نشان نمی‌دهند. در نتیجه، عجیب نیست که در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور که پر از قدرشناسی و احترام به آتش‌نشان‌های فداکار و همچنین هم‌دلی عمومی در مورد لزوم حمایت از کسبه و کارگران متضرر و بی‌کار شده است، کارگران افغانستانی که احتمالاً از آسیب‌دیدگان این حادثه به‌شمار می‌آیند، یک‌سره از توجه افکار عمومی به دور مانده‌اند. حادثه پلاسکو از این جهت، شاید مجاللی است برای برانگیختن حساسیت جامعه در مورد وضعیت فرودست‌ترین لایه طبقه کارگر در ایران که نه‌تنها از بسیاری حقوق متعارف شهروندی محروم است، بلکه در فاجعه‌ای با این ابعاد حتی حضورش به رسمیت شناخته نمی‌شود.

از آغاز مهاجرت گسترده مهاجران و پناهندگان افغانستانی به ایران، حدود ۳۷ سال می‌گذرد و در طی این سال‌ها، شرایط زندگی‌شان فراز و فرودهای فراوانی داشته است. لیکن در نگاهی کلی در طول این سال‌ها، وضعیت زندگی این مهاجران نه تنها رو به بهبود اساسی نبوده، بلکه در موارد متعددی سخت‌تر و خدمات‌دریافتی‌شان محدودتر هم شده است. ورود آن‌ها به بازار کار ایران، عمدتاً از مشاغل ساده کارگری در بخش صنعت ساختمان، کشاورزی و دام‌داری و فعالیت‌های طاقت‌فرسایی چون کار در کوره‌پزخانه‌ها آغاز شد. با گذشت زمان و به‌ویژه با شروع دستگیری و اخراج اتباع افغانستانی از ابتدای دهه ۱۳۷۰، بخشی از این کارگران به سمت مشاغلی تمایل پیدا کردند که مشخصه اصلی آن‌ها تردد کمتر در محیط عمومی شهرها و کاهش خطر دستگیری‌شان توسط پلیس بود. از این زمان، بسیاری از کارگران افغانستانی به کارگاه‌های تولید پوشاک و محصولات چرمی مانند کیف و کفش وارد شدند که هم به لحاظ بدنی فشار کار کمتری نسبت به مشاغلی چون کارگری ساختمان یا کار در کوره‌پزخانه داشت و هم این‌که مجبور نبودند روزانه خطر دستگیری در «افغانی‌بگیر» را به جان



بخرند و برای یافتن کار ساختمانی در میدان‌های شهری بایستند. در نتیجه، «خیاطی» به یکی از حرفه‌های اصلی کارگران زن و مرد افغانستانی در ایران بدل شد. شاید امروز بسیاری از ایرانیان که کارگران افغانستانی را بیشتر به عنوان کارگر ساختمانی، نگهبان یا نیروی خدماتی دیده‌اند، ندانند که بسیاری از پوشاک زنانه و مردانه‌ای که استفاده می‌کنند توسط این نیروی کار تولید شده است. کارگرانی که ساعت‌های طولانی (معمولاً از هفت صبح تا نه شب) در نامناسب‌ترین شرایط کاری در واحدهای تولیدی کارگاهی با کمترین دست‌مزد برای کارفرمایان ایرانی و افغانستانی کار می‌کنند. برخی از این کارگران در مناطق حاشیه‌ای شهر با خانواده‌شان زندگی می‌کنند، اما به جهت فاصله زیاد تا محل کار و لزوم اجتناب از تردد در شهر، شب‌ها نیز در کارگاه می‌مانند و آخر هفته‌ها به خانواده خود سر می‌زنند.

علاوه بر این شرایط سخت کاری، نکته بسیار مهم در مورد این کارگاه‌ها، شیوع مصرف مواد مخدر و خطر اعتیاد است. این مسئله، دو دلیل اصلی دارد: اول این که برخی کارگران یاد می‌گیرند که با مصرف مواد مخدر می‌توانند ساعت‌های بیشتری کار کنند و در نتیجه در مدت کمتری پس‌انداز بیشتری داشته باشند. دومین دلیل، احساس سرخوردگی مفرط از شرایط زندگی در ایران و تجربه ناخوشایند از نحوه برخورد مردم در فضاهای عمومی در تعاملات روزمره است. توهین، تحقیر و بدرفتاری، بخشی از تجربه هر روزه یک جوان افغانستانی است که در تلفیق با ناامیدی و احساس بی‌قدرتی، پناه بردن به مواد مخدر، آسان‌ترین راه التیام آن محسوب می‌شود؛ آن‌چه در این کارگاه‌ها معمولاً به‌سادگی و به‌وفور در دسترس است. در نتیجه اگر کسی مایل به شناخت شرایط زندگی اتباع افغانستانی در ایران باشد، کارگاه‌های تولید پوشاک یکی از گویاترین عرصه‌های بازنمایی تلخی زندگی به‌مثابه یک «افغانی» در جامعه ایران است.



وضعیت کارگران افغانستانی در سایر مشاغل کارگری در مواردی حتی بدتر از کارگاه‌های تولیدی پوشاک است. امروز در کشور، اغلب بدنه اصلی نیروی کار در مشاغل سخت در حوزه‌های مختلف اقتصاد را نیروی کار افغانستانی تشکیل می‌دهد. حفر تونل‌های مترو، جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت زباله در شهرهای بزرگ یا کار در کارخانه‌های سنگ‌بری، نمونه‌هایی از فعالیت‌های کارگران افغانستانی‌اند که به شهادت بسیاری از کارفرمایان، کارگران ایرانی به سبب سختی کار و دستمزد پایین تمایلی به آن ندارند. در کنار این فعالیت‌ها می‌توان به مجموعه‌ای گسترده از مشاغل سخت دیگر در بخش دام‌داری و کشاورزی، کشتارگاه‌ها و صنعت دباغی، باربری، صنایع خطرناک شیمیایی مانند رنگ‌سازی اشاره کرد که به‌نحوی گسترده از کارگران افغانستانی استفاده می‌کنند. اگر این شرایط کاری با حقوق و مزایای شغلی ناچیز و فقدان حمایت‌های قانونی از این نیروی کار، در کنار هم گذاشته شود، آنگاه کاملاً آشکار است که اتباع افغانستانی، قربانی شدیدترین شکل استثمار و بهره‌کشی از نیروی کار به سبب جایگاه‌شان در نظام اجتماعی ایران هستند. این موضوع، هم در مورد نیروی کار افغانستانی که به‌طور قانونی امکان اشتغال در برخی مشاغل تعریف‌شده از سوی وزارت کار را دارد و عموماً با قراردادهای شفاهی و به‌دور از نظارت قانونی به کار گمارده می‌شود و هم در مورد نیروی کار غیرقانونی افغانستانی که در بخش‌های مختلف شاغل‌اند، صدق می‌کند. غیر از این که پوشش بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی یا بیمه بیکاری در مورد کارگران افغانستانی عملاً موضوعیت ندارد، در مواردی که فرد دچار صدمات جسمی به سبب سانحه کاری می‌شود، دریافت خسارت یا هزینه درمان تنها و تنها به اراده کارفرما بستگی دارد و در بسیاری موارد به سبب فقدان حمایت قانونی، دست فرد سانحه‌دیده از همه‌جا کوتاه است، اما حادثه‌ترین شکل سوءاستفاده در مورد کارگران غیرقانونی است



که در برخی موارد کارفرمایان در موعد پرداخت حقوق با خبر دادن حضور وی به پلیس و در نتیجه دستگیری و اخراج او حتی از پرداخت حقوق وی هم سر باز می‌زنند. لذا موقعیت قانونی و حقوقی کارگران افغانستانی، دست کارفرما را برای استثمار حداکثری آن‌ها باز می‌گذارد و استیصال کارگران سبب می‌شود چاره‌ای جز پذیرش سخت‌ترین شرایط کاری با حداقل دستمزد بدون برخورداری از مزایایی فراتر از دستمزد روزانه نداشته باشد.

با فروریختن ساختمان پلاسکو بخش‌هایی از واقعیت‌های تلخ شهر با انقطاع در امر روزمره، خود را به عریان‌ترین شکل به نگاه‌های بهت‌زده شهروندان عرضه کردند. شوک این رویداد سبب شد تا ایمن نبودن بخش بزرگی از ساختمان‌های شهر، شرایط سخت کاری آتش‌نشان‌ها یا ضعف مدیریت بحران در کشور، مورد توجه افکار عمومی قرار گیرد و خواست عمومی برای اقدام جدی درباره هر یک از به‌نیرومندترین شکل مطرح شود. اما علاوه بر این موارد، حادثه پلاسکو می‌تواند تلنگر دیگری به جامعه ایران برای توجه به شرایط زندگی سه میلیون نفر از ساکنان این سرزمین باشد که علی‌رغم حضور بیش از سه دهه در ایران و کمک‌های غیرقابل‌انکار به تولید و آبادانی کشور، هنوز به‌عنوان شهروندان درجه‌دو از بسیاری خدمات و امکانات محروم‌اند، به‌طور مداوم در رسانه‌های جمعی، سوژه بیگانه‌سازی و شرانگاری‌اند و روزانه در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر مورد تحقیر و تبعیض بخشی از ساکنان محلی قرار می‌گیرند.

باید توجه داشت، در مناسبات اقتصادی ایران در طی دهه‌های گذشته، هم‌راستایی منافع کارفرمایان و نیاز سیاست‌مداران به رأی اقشار فرودست ایرانی در بستر کلی رکود تولید، عملاً کارگران ایرانی و افغانستانی را در برابر هم قرار داده و زمینه بهره‌کشی ظالمانه از نیروی کار افغانستانی را فراهم کرده است. تجربه سال‌های اخیر گواهی می‌دهد



که به سبب درهم‌تنیدگی این منافع، در غیاب فعالیت مؤثر نهادهای مدنی و مردمی، عملاً گسست از این وضعیت ناعادلانه ناممکن شده است. رویداد فروریختن پلاسکو این مجال را برای جامعه مدنی ایران و رسانه‌های مستقل فراهم می‌کند تا با برجسته کردن نوع مواجهه دولت با کارگران افغانستانی در این حادثه، بی‌اعتنایی غیرانسانی به وضعیت آنان را در فضای عمومی جامعه به مسئله تبدیل کنند. نقش تعیین‌کننده آنان این است که تلاش کنند مرزهای همدلی برآمده از تلخی این فاجعه به‌نحوی گسترش یابد که طردشده‌ترین بخش از جامعه ایران یعنی مهاجران و پناهندگان افغانستانی را نیز در برگیرد. در شرایطی که نمایندگان مجلس و دولت‌ها به سبب نگرانی از دست دادن رأی فقرای شهری معمولاً برای ارتقای شرایط زندگی کارگران افغانستانی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهند، ایجاد حساسیت در جامعه، آگاهی بخشی به کارگران ایرانی و درنهایت شکل‌گیری فشار افکار عمومی اهرم قدرتمندی است که می‌تواند به تغییرات جدی در قوانین مهاجرت و به‌کارگیری نیروی کار خارجی بر اساس اصول و قواعد منصفانه کار منجر شود.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز